

تبیین مفهومی موضوع ضروری دین و احکام آن با تطبیق مصداقی بر مسئله حجاب

محمد کاظم زارع شحنه^۱



چکیده

یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در هر حیطه‌ای صحبت از ضروری‌های آن حیطه است. اگر کسی به آن ضروریات احاطه کافی و شناخت لازم نداشته باشد نمی‌تواند در آن امر موفق باشد. یکی از موضوعات مهم در دین اسلام و مذهب شیعه، موضوع ضروری بودن یک مسئله در فقه، مذهب و اسلام است که آثار و احکام فراوانی دارد. بعضی از مسائل در دین جزء ضروری‌ها حساب می‌شوند و انکار باوری آنها منجر به ارتداد و کفر می‌شود؛ و تفاوت دنیا و آخرت را به دنبال دارد. بررسی ماهیت فقهی این موضوع و احکام آن و تطبیق آن بر مسئله حجاب که در زمان معاصر تحت تأثیر تهاجم فرهنگ ویرانگر غرب و شبهات جنگ رسانه‌ای مورد انکار نظری و عملی قرار گرفته لازم به نظر می‌رسد؛ لذا در این تحقیق ابتدا به بررسی لغوی و اصطلاحی این موضوع خواهیم پرداخت و در ادامه احکام مترتب بر آن را بیان خواهیم کرد و در پایان بحث تطبیقی در مسئله حجاب خواهیم داشت.

این مقاله با استفاده از روش توصیفی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این پژوهش به منابع و مطالب خوبی دسترسی حاصل شد؛ که از جمله نتایج حاصل از آن عبارتند از: ۱- حجاب یک ضروری بین در دین است و لازم است هر مسلمانی به آن معتقد باشد. ۲- بین منکر ضروری دین و شخصی که فاعل یک امر منکر است تفاوت است و نباید هر گنهکاری منکر ضروری دین شناخته شود. ۳- بعضی از مسائل مختص به مذهب تشیع است؛ و اگر اهل سنت آن را انکار کنند منکر مذهب شمرده می‌شوند نه منکر دین؛ پس احکام انکار ضروری دین چنین افرادی را شامل نمی‌شود.

کلمات کلیدی: دین، ضروری، ضروری دین، ضروری مذهب، حجاب

۱. پژوهشگر مرکز پژوهش و آموزش‌های کاربردی مدرسه علمیه محمدیه یزد

مقدمه

بحث از ضروری دین از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است؛ و علت آن، اینست که احکام بسیار مهمی بر ضروریات دین بار می شود. من جمله آن احکام این است: کسی که ضروری دین را منکر شود کارش به ارتداد رسیده و محکوم به کفر است و قتلش واجب؛ بنابراین در این نوشته سعی شد اولاً معنای ضروری دین به وضوح بیان شود. سپس معیار و ملاک در تشخیص ضروری دین بیان شود؛ و از آنجا که یکی از مصادیق های پر کاربرد و پر ابتلای جامعه ما بحث حجاب زنان است، سعی شده بیان گردد که آیا مسئله حجاب از مصادیق ضروری دین است که اگر کسی آن را انکار کرد محکوم به کفر شود یا خیر؟

اما نکته ای که در خلال این بحث باید به شدت مورد دقت قرار بگیرد این است، کسی که یک ضروری دین را رعایت نمی کند؛ مثلاً یک واجبی را که ضروری دین است ترک می کند یا یک حرامی را که ترکش ضروری دین است مرتکب می شود لزوماً منکر ضروری دین نیست فلذا نمی شود انسان مدام حکم به ارتداد دیگران صادر کند و دیگران را کافر بیندارد؛ بلکه آنچه موجب ارتداد از دین می شود انکار ضروری دین است، به اینکه فرد، مثلاً بگوید نماز که نباید خواند! اصلاً نماز جزء دین نیست! ولی بسیاری از کسانی که گناهی را مرتکب می شوند یا واجبی را ترک می کنند می دانند بالاخره این در دین آمده و باید رعایت کرد و قبول هم دارند؛ ولی باز به خاطر سهل انگاری یا فریب نفس و شیطان آن را رعایت نمی کنند. از این رو باید توجه داشت، چنین افرادی با منکرین ضروری دین تفاوت زیادی دارند و نباید با هر دو گروه یکسان برخورد کرد.

نتیجه نهایی بحث این است، افراد بدحجاب یا بی حجاب درعین حال که مرتکب کار حرام می شوند، اما همه یکسان نیستند و باید بسته به هر فرد متناسب با خودش برخورد کرد؛ شخص معتقد را باید نهی ازمنکر و شخص منکر هم باید دید آیا انکاروی از سر جهل است یا عالمانه و عامدانه؛ که اگر از سر جهل باشد من باب ارشاد جاهل باید ارشادش کرد و اگر عالمانه باشد، باید او را به مراجع ذی صلاح سپرد تا به حسابش رسیدگی شود.

سؤالات اصلی که این پژوهش بر محور آن طراحی شده این است:

۱- اساساً ضروری دین یعنی چه؟ (به چه مواردی ضروری دین می گویند؟)

۲- بعد از تشخیص ضروری دین چه احکامی بر آن بار می شود؟

۳- آیا حجاب از ضروریات دین است یا خیر؟

سؤالات فرعی بحث عبارت اند از:

۱- معیار در تشخیص ضرورت چیست؟ (بعد از شناخت تعریف ضروری دین چه طور

بفهمیم یک چیز آیا ضروری دین است یا نه؟

۲- ضروری مذهب چیست؟ احکام جاری بر آن کدام است؟

۳- حکم ارتداد برای منکرین ضروری دین در چه مواردی استثنا می شود؟

پیشینه بحث ضروری دین را آقای سید کمال حیدری در کتاب خود چنین بیان داشته است: «عنوان (ضروری) در روایات بیان نشده است؛ بلکه آن را فقها از مضمون روایات اخذ کرده اند. چه بسا اولین کسی که این عنوان را مطرح کرده است مرحوم صاحب شرایع (محقق حلی) رحمه الله باشد.» (حیدری، ص ۱۰۵)

معدودی از فقها و متکلمان پیشین از جمله شیخ طوسی، فیاض لاهیجی، علامه مجلسی، مقدس اردبیلی و محمد رضا مظفر در آثار خود به این مسئله پرداخته و آن را تعریف کرده اند. (روحانی، ۱۳۸۲، ۶)

آیت الله شبیری زنجانی می فرماید: «بحث این است که اگر انکار نسبت به بعضی از احکام باشد یعنی قبول نکند و بگوید بعضی از احکام صحیح نیست، این چگونه است؟



مرحوم حاج آقا رضا (مرحوم همدانی) خواسته‌اند بگویند این هم کفر می‌آورد، باید تمام احکام پیغمبر را بپذیرد، هر چه به عنوان دین ذکر میشود، باید تصدیق کند که من الله تعالی است یعنی مربوط به پروردگار است، حالا در بعضی جاها تفویض امر هم شده است، آن هم به امر پروردگار و مورد قبول پروردگار است، باید نسبت به تمام احکام قبول کند، این را ایشان کأنه مسلم می‌گیرد. ولی به نظر ما این قابل تردید است، برای خاطر اینکه به طور مسلم از نظر ادله‌ای که ذکر شده و در دست هم هست و رساله‌هایی هم نوشته شده است، مرحوم آقای شرف‌الدین رساله‌هایی به نام الاجتهاد و النص دارد، عمر بر خلاف نص پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله مطالبی بیان کرده و این موارد یکی دو تا هم نیست، ایشان از طرق کتب عامه اثبات کرده است و از نظر روایات ما هم ثابت است، ولی پیغمبر اکرم با عمر معامله کفار نمی‌کرد، ما کاری به مسائل اخروی این اشخاص نداریم، آن در جای خودش ثابت است، بحث در محاسبات دنیوی است، پیغمبر با اینها مثل سایر مسلمین برخورد می‌کردند.» (شیری، ۱۳۸۶، سال اول درس خارج/ صوم)

فلذا نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که این موضوع، موضوع تعبدی صرف نیست؛ بلکه مبحثی آمیخته به عقل است؛ و به همین علت هم هست که میان فقها در تعریف ضروری و در تشخیص مصادیق آن خرده اختلافاتی است؛ البته در بسیاری از موارد با هم اتفاق نظر دارند.

در این باب با توجه به جستجویی که شد در موضوع ضروری دین بحث‌هایی صورت گرفته. در موضوع «بررسی فقهی انکار ضروری دین» مقاله‌ای از آیت الله شبیری زنجانی با عنوان «انکار ضروری دین و رابطه آن با ارتداد» نوشته شده است. در این مقاله انکار ضروری دین را مطلقاً موجب ارتداد نمی‌داند؛ بلکه چنین بیان می‌دارد: «اگر نسبت به شخصی که ضروری دین را انکار می‌کند، یقین پیدا شد که به توحید و نبوت ایمان دارد و پیامبر را تصدیق می‌کند، ولی در موردی خاص، امر بر روی مشتبه شده و ضروری دین را انکار می‌نماید، محکوم به کفر و ارتداد نخواهد بود.» (شیری زنجانی، ۱۳۹۵ ش)

همچنین پایان‌نامه‌ای به قلم آقای کیوان فرهادپور با عنوان «بررسی فقهی انکار ضروری دین» در این زمینه نوشته شده است. آقای ابراهیم اکبری هم این موضوع را با عنوان «بررسی حکم انکار ضروری دین از دیدگاه فریقین» مورد بررسی قرار داده است.

اما در باب سببیت ارتداد منکر ضروری دین که آیا نفس انکار موجب ارتداد می‌شود یا

علت ارتداد، بازگشت انکار به تکذیب نبی است نیز بحث‌هایی صورت گرفته که به ذکر یک مورد در این زمینه بسنده می‌کنم:



مقدمه

آقایان عادل اصغرپور طلوعی، رحیم وکیل زاده، محمد علی حیدری و محسن شکرچی زاده در این زمینه مقاله‌ای نوشته‌اند و در لزوم وجود علم در تحقق ارتداد شخص منکر چنین نگاشته‌اند: «در مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به نقش علم در انکار ضروری دین پرداخته‌ایم و نتایج حاصل از آن در مجموع بیانگر این است که علم و آگاهی انکارکننده به ضروری دین بودن آنچه انکار می‌کند از شروط اصلی تحقق ارتداد است.» (طلوعی و دیگران، ۱۳۹۷ش)

اما در مورد ضروری دین با محوریت مصداق حجاب پژوهش خاصی مشاهده نشد؛ لذا بر آن شدم تا مقاله‌ام را با عنوان (تبیین مفهومی موضوع ضروری دین و احکام آن با تطبیق مصداقی بر مسئله حجاب) بنویسم.

مفاهيم

كلمه ضروري و الفاظ مشابه آن

(١) ضروري: الَّذِي لَا غِنَى عَنْهُ، الَّذِي تَمَسُّ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ، خِلَافَهُ الْكَمَالِيُّ: «اِكْتَفَى بِالضَّرُورِيِّ»، «الْمَاءُ ضَرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ»، «يَفْتَقِرُ إِلَى مَا هُوَ ضَرُورِيٌّ لِلْعَيْشِ» (لوييس معلوف، ٢٠٠٠م، ص

(٨٧٨)

اما سيد كمال حيدري از راغب اصفهاني معنای کامل تر و روشن تری از ضروری را بیان می کند:

«للضروري في اللغة استخدامات ثلاثة:

فقد يطلق ويراد منه ما يكون على طريق القهر والقسر، لا على الاختيار، كما في الشجر إذا تحرك من قبل الريح الشديدة.

وقد يطلق على ما لا تكون الحياة والوجود إلا به، كما في الغذاء الضروري للإنسان في حفظ البدن.

ويطلق ثالثة على ما لا يمكن أن يكون على خلافه، نحو أن يقال: الجسم الواحد لا يصح حصوله في مكانين في حالة واحدة بالضرورة.

وقد جاء الضروري في كلمات الفقهاء في سياق المعنى الأخير، وهو الذي يرادف البديهي والقطعي واليقيني بالاصطلاح المنطقي مع اختلاف في طبيعة الخصائص والشروط التي يطرحها



ضروری دین را در لغت شامل سه استخدام مختلف می‌داند: ۱- گاه ضروری به معنای اتفاق قهری و بالغلبه استعمال می‌شود. مثل باد شدیدی که بر درختی می‌تازد که قهراً موجب به حرکت در آمدن درخت می‌شود.

۲- گاهی هم ضروری بر چیزی اطلاق می‌شود که لازم حیات و وجود چیز دیگر باشد؛ مثل غذا که برای انسان بسیار حیاتی است که اگر نباشد دیگر حیات و وجودی برای انسان نخواهد بود.

۳- استعمال سوم ضروری هم به معنای قطعی و خلاف ناپذیر آمده است. مثل اینکه قطعاً چنین است که یک جسم نمی‌شود در دو مکان در یک زمان حصول یا حضور پیدا کند. و در آخر هم می‌فرماید آن ضروری که در کلام فقها آمده است به همین معنای سومش آمده است.

۲) اضطرار: اضطرار در لغت و عرف به معنای (احتیاج) و (وادار کردن به چیزی) است. در فقه و نصوص شرعی هم به همان معنای لغوی و عرفی اش لحاظ شده؛ چرا که از سوی شارع برای آن وضع جدیدی صورت نگرفته است. اما مراد از اضطرار در فقه که به معنای احتیاج است، آن حدی از احتیاج مد نظر است که به الجاء و ناچاری و ضیق برسد؛ و الا به هر نوع احتیاجی، اضطرار گفته نمی‌شود. (علیدوست، ۱۳۹۷ش، ۱۱۷)

۳) مسلم: مقبول أو لا يقبل الجدل: «هذا أمر مسلم به»، «بَدِيهِيَّةٌ مُسَلَّمٌ بِهَا» (لویس معلوف، ۲۰۰۰م، ص ۶۹۵)

۴) بدیهی: آنچه که خودبه خود آشکار باشد. / البَدِيهِيَّات در نزد دانشمندان به معنای (الأَوَّلِيَّات) است. (فؤاد افرام بستانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷۹)

انواع ضروری

۱) ضروری دین: مراد از ضروری دین آن بخش از آموزه‌های دینی - اعم از اصول و فروع - است که ثبوت آن در دین مسلم و بدیهی است و نیازی به استدلال ندارد و هر مسلمانی - اعم

از خواص و عوام - آن را می‌داند، مانند معاد، وجوب نماز، روزه و حج. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ق، ج ۵، ص ۱۴۶)

۲) ضروری مذهب: مراد از ضروری مذهب اصول و فروع بدیهی و مسلم شیعه دوازده امامی است، از قبیل امامت امامان معصوم علیهم السلام، مشروعیت متعه (--> ازدواج موقت) و حرمت قیاس (--> قیاس). از احکام آن در باب‌های طهارت، شهادت و حدود سخن گفته‌اند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ق، ج ۵، ص ۱۴۶)

نکته دیگر که در ضروری مذهب قابل توجه است اینک: عوام و خواص همه قبول دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ق، ج ۵، ص ۱۰)

مراد اینک هم مردم عادی شیعه آن را قبول دارند، هم فقها و هم علمای شیعه؛ (به خلاف ضروری فقه که معنایی مغایر با ضروری مذهب دارد).

۳) ضروری فقه: آن بخش از ضروریاتی که فقط فقها و خواص قبول دارند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ق، ج ۵، ص ۱۰)

یا به تعبیری دیگر مسئله ضروری فقه را چنین بیان کرده‌اند: به این معنا که اشخاصی که وارد فقه می‌شوند، بالضروره و خیلی روشن می‌دانند که فقیه باید به این مسئله فتوا دهد. این مرحله از اجماع بالاتر است (شبیری زنجانی، ج ۲۵، ص ۷۸۸)

۴) ضروری اسلام: «احکام ضروری اسلام» همان احکام ضروری دین است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ق، ج ۳، ص ۳۸۳)

۵) ضروری عمومی: یعنی نه تنها فقها بلکه فقیه و عوام همه می‌دانند که مطلب چنین است (شبیری زنجانی، ج ۲۵، ص ۷۸۸)

تعریف دقیق ضروری دین و ارائه معیار تشخیص

در باب تعریف ضروری دین تعاریف مختلفی ارائه شده است. اما بیشتر تعاریف متمرکز بر تعریف خود ضروری دین نیست؛ بلکه تبیین راه شناخت ضروری دین است. مثلاً مرحوم امام رحمه الله ضروری دین را چنین بیان می‌دارند: ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه، مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند. یا حضرت آیت الله مکارم شیرازی می‌فرمایند ضروری دین چیزی است که هر مسلمانی آن را می‌داند و حتی تازه‌مسلمان‌ها هم آن را می‌فهمند. اما هیچ یک از این تعاریف، حقیقت خود ضروری دین را بیان نمی‌دارد؛ بلکه اشاره به راه شناخت ضروری دین دارد.

در میان تعاریف موجود آن تعریفی که به نظر می‌رسد در صدد برآمده تا خود (ضروری دین) را تعریف کند تعریف آیت الله العظمی بهجت رحمه الله است که چنین می‌فرمایند: «آنچه بدون تردید جزء دین است؛ مانند وجوب نماز و روزه.» (بهجت، ۱۳۸۶ش، ص ۱۸)

حال در چگونگی تشخیص مواردی که بدون تردید جزء دین هستند - ضروری دین - اختلافاتی هست که بیان می‌شود:

۱- برخی ضروری دین را حمل بر مواردی می‌کنند که مورد اتفاق علمای فرق اسلامی باشد.

آیت الله سید کمال حیدری ضروری دین را این‌گونه تعریف می‌کند: «ان معنی ضروری

الدین ما يكون دليلاً واضحاً عند علماء الإسلام بحيث لا يصح الاختلاف فيه بعد تصوّره» (حیدری، ص ۱۰۷)

مرحوم استرآبادی از علمای مشهور اخباری هم چنین تعریف می‌کند: «أنَّ ضروري الدين - على ما سمعناه من محققي مشايخنا قدس الله سرهم - هو الذي علماء ملتنا و علماء غير ملتنا يعرفون أنه ممّا جاء به نبينا صلى الله عليه و آله كالصلاة و الزكاة و الصوم و الحجّ و على قياس ذلك ضروريّ المذهب هو الذي علماء مذهبنا و علماء غير مذهبنا يعرفون أنه ممّا قال به صاحب مذهبنا كبطلان العول و التعصّب»؛ ایشان امر ضروری دین را چیزهایی می‌دانند که هم علمای شیعه و هم علمای اهل سنت، مصدر آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بدانند. (استرآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۲)

۲- برخی ضروری دین را حمل بر مواردی می‌کنند که همه مسلمانان آن را از دین بدانند.

امام خمینی رحمه الله در توضیح المسائلشان ضروری دین را چنین بیان می‌دارند: «ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه، مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند». (خمینی، ۱۳۸۱ه ش، ج ۱، ص ۷۶) آیت الله اراکی می‌فرماید: ضروری دین یعنی حکمی را که هر مسلمانی جزء دین اسلام می‌داند. (روح الله خمینی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ص ۴۹۴)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله در کتاب النکاح خود می‌فرماید: ضروری دین یعنی چه؟ چیزی که هر مسلمانی آن را می‌داند و حتی تازه مسلمان‌ها هم آن را می‌فهمند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۱۵۹)

یا در جای دیگر می‌فرماید: منظور از «ضروریات دین» اموری است که همه، اعم از عالم و غیر عالم، می‌دانند جزء دین است؛ مانند مسئله نماز و روزه و حجاب (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۸۳) آیت الله سبحانی هم در پاسخ به مراد از ضروری دین می‌فرماید: «بسمه تعالی: درباره ضروری دین در کتاب‌های فقهی مانند کتاب طهارت و کتاب حدود به صورت گسترده بحث شده است. اصول سه‌گانه دین جزء ضروریات دین است و ضمناً هر حکمی که انکار آن در نظر مسلمانان ملازم با انکار یکی از اصول ثلاثه (توحید، نبوت، معاد) باشد، جزء ضروریات دین به شمار می‌رود، مانند خاتمیت و وجوب نماز و روزه... و الله العالم» (سبحانی، ۱۳۸۹ ش، ج ۳، ص ۹)

یا به تعبیر مرحوم ملا احمد نراقی که ضروری دین را چنین بیان می‌کند: «ضروری دین عبارت است از چیزی که به حد بداهت رسیده باشد ثبوت آن از صاحب دین.» (نراقی، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۳۳۶)

۳- برخی ضروری دین را حمل بر مواردی می‌کنند که بخشی از مسلمانان آن را ضروری می‌دانند (ولو همه هم آن را ضروری ندانند، خللی در ضروری بودن آن پیش نمی‌آید).

پاسخ از استفتایی که از آیت‌الله شبیری زنجانی شده است جالب توجه است: آیا منظور از انکار ضروری دین، انکار مطلبی است که تمام مسلمانان ضروری می‌دانند یا ضروری بودن آن در منطقه خاصی مدنظر است؟ همین که در منطقه مورد ابتلای مکلف ضروری باشد، کافی است. (شبیری، ۱۳۹۶ ش، ج ۱، ص ۷۱)

توضیح مطلب اینکه: آنچه از کلام این مرجع عالی قدر فهمیده می‌شود این است که مراد ایشان اثبات ضروری در فرض حداقلی آن (ضروری بودن ولو در نزد مردم یک منطقه) است و این تنافی ندارد با این مطلب که اگر جمیع مسلمین یا علمای فرق اسلامی بر ضروری دین بودن یک چیزی به اتفاق رسیدند آن مورد، ضروری دین به شمار می‌آید؛ بلکه وقتی عده‌ای در یک منطقه ضروری بودن یک چیز را تشخیص دادند و به تشخیصشان ترتیب اثر داده می‌شود، به طریق اولی به تشخیص علمای اسلام یا جمیع مسلمین نسبت به ضروری بودن یک چیز ترتیب اثر داده می‌شود و آن مورد از ضروریات دین شمرده می‌شود.

۴- برخی ضروری دین را حمل بر مواردی می‌کنند که خود شخص (شخص منکر) آن را ضروری دین بدانند.

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی هم در این زمینه نقل قولی از مرحوم مقدس اردبیلی دارند که جالب توجه است: «برخی قلمرو آن- ضروری دین- را گسترش داده و گفته‌اند: مراد از ضروری دین، چیزی است که انکارکننده، به ثبوت آن در دین یقین داشته باشد؛ هر چند نزد همه به ثبوت نرسیده باشد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، ص ۳۳۹)

ایشان هر حکمی را که به طور یقینی از دین شناخته شود ضروری می‌دانند و اشاره به وضوح و شیوع آن ندارد؛ ضروری چیزی است که در نظر شخص، هر چند با برهان، ثابت باشد

که از دین است، اگر چه دیگران بر این مطلب اجماع نکرده، آن را قبول نداشته باشند.

در مجموع می‌توان چنین گفت: «ضروریات دین به احکام و عقایدی گویند که جزء دین بودنشان اثبات شده و از جمله واضحات و بدیهیات باشد، به گونه‌ای که عادتاً بر هیچ مسلمانی پوشیده نباشد و حتی بعضی از غیرمسلمانان هم جزء دین بودن آن را بدانند» (ویکی شیعه/ ذیل موضوع (ضروری دین))

حال چگونگی تشخیص این که مثلاً فلان امر آیا از مواردی هست که به حد بداهت - ضروری دین - رسیده است یا نه نکته‌ای دارد که مرحوم ملا احمد نراقی رحمه الله آن را چنین ذکر می‌کند: «علامت آن، آن است که ادله واضحه و امارات لایحه و براهین ظاهره باهره منصوبه از جانب صاحب شرع، و اشتها انتساب آن به صاحب شرع به حدی باشد که حدس صائب حکم قطعی نماید که هر که داخل آن دین است و مخالط با اهل آن است - البته یقین دارد به این که صاحب آن دین به این امر حکم نموده است، و از این جهت بفهمد که جمیع اهل آن دین - حتی عوام ایشان اعتقاد به آن دارند و این که گفته‌اند: ضروری دین آن است که جمیع اهل آن دین از عوام و خواص معتقد آن باشند، از این راه شناخته می‌شود، و الا کدام امر است که کسی در آن تفحص احوال جمیع هفتاد و سه فرقه اهل اسلام را کرده باشد، و اعتقاد ایشان را از عوام و خواصشان در آن یافته باشد؟ باوجود این که بعضی از آن امور هست که ما باوجود عدم تفحص یقین داریم که جمیع فرق اسلام به آن قائل‌اند، مثل بودن جهت کعبه، و وجوب نماز پنج‌گانه و امثال آن.» (نراقی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۳۳۷)

احکام جاری بر ضروری مذهب و دین

احکام جاری بر ضروری مذهب

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی می فرمایند: اگر منکر ضروری مذهب و ضروری بین علمای امامیه باشد، به قتل نمی رسد. به عبارت دیگر، هرگاه انکار ضروری به تکذیب نبی صلی الله علیه و آله بازگشت داشت، حدّش قتل است؛ و هر زمان که به تکذیب نبی صلی الله علیه و آله منتهی نگردد، حدّش قتل نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰ ش، ج ۲، ص ۵۰۰)

حضرت آیت الله گلپایگانی هم چنین نظری را اختیار کرده اند: «فإن إنكار ضروري المذهب يوجب الخروج عن ربة التشيع لا الإسلام، بخلاف تكذيب النبي الذي يلزم من إنكار ضروري الدين فإنه يوجب الخروج عن دائرة الإسلام، والدخول في حوزة الكفر». (گلپایگانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۲۶)

مضاف بر اینکه نتیجه انکار ضروری مذهب را خروج از تشیع می دانند نه خروج از دین؛ چرا که خروج از دین زمانی اتفاق می افتد که تکذیب نبی صورت گیرد و تکذیب نبی با انکار ضروری دین صورت می گیرد نه انکار ضروری مذهب.

از طرفی مرحوم صاحب جواهر رحمه الله یکی از موارد ارتداد را انکار ضروری مذهب ذکر می کنند: «بل الظاهر حصول الارتداد بإنكار ضروري المذهب كالمتمتع من ذي المذهب أيضا لأن الدين هو ما عليه، ولعل منه إنكار الإمامي أحدهم عليه السلام». (نجفی، ج ۴۱، ص ۶۰۲)



(البته این حکم تفصیل دارد و این را فقط برای کسی صادق می دانند که صاحب مذهب بوده و بعد ضروری مذهب را انکار کرده.)

مرحوم موسوی سبزواری حکم به ارتداد منکر ضروری مذهب را معلق به تحقق انکار رسالت یا انکار الوهیت خداوند یا انکار توحید می دانند که اگر انکار ضروری مذهب به انکار یکی از موارد مذکور انجامید آنگاه حکم به ارتداد منکر ضروری مذهب می شود (انکار ضروری المذهب إن رجع إلى إنكار الرسالة أو الألوهية، أو التوحيد يوجب الكفر وإن لم يرجع إليها ففي إيجابه له إشكال). (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۷۶)

منکر ضروری مذهب، مانند امامت امامان معصوم علیهم السلام یا غیرشیعۀ دوازده امامی است و یا شیعه. در فرض نخست در اینکه انکار آن موجب کفر و ارتداد وی می شود یا نه اختلاف است. قول نخست به مشهور قدما نسبت داده شده است و قول دوم را به مشهور - مطلقاً اعم از قدما و متأخران - نسبت داده اند. در فرض دوم (منکر، شیعه باشد) به تصریح برخی انکار ضروری مذهب، همچون متعه یا وجود امام زمان علیه السلام، موجب ارتداد و کفر می شود (--)< ارتداد). (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ق، ج ۵، ص ۱۴۷)

ولی به قول مشهور، انکار ضروری مذهب مانند انکار امامان علیهم السلام یا یکی از آنان، موجب ارتداد نمی شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳۹)

احکام جاری بر ضروری دین

- وجوب تصدیق و اعتراف به ضروری دین؛ اعم از اصول و فروع (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ق، ج ۵، ص ۱۴۶)

- تحقق کفر با انکار ضروری دین فی الجملة (همان):

کافر بودن منکر ضروری دین فی الجملة تشکیکی ندارد و اجماعی است، ولیکن حکم به این که فلان شخص چون انکار امری را نموده کافر شده یا نه؟ موقوف است به بیان و تحقیق چندین چیز. **اول:** بیان ضروری دین. **دوم:** بیان این که منکر ضروری دین چرا کافر است. **سوم:** بیان این که چه نوع انکاری موجب تکفیر می شود. **چهارم:** بیان این که مستند حکم به کفر شخصی معین آیا باید چه باشد و به چه نوع باید ثابت شود. (نراقی، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص

- مورد اول (بیان ضروری دین) که در مباحث گذشته بیان شد.

- مورد دوم (بیان اینکه منکر ضروری دین چرا کافر است؟): ملا احمد نراقی دلیلی که در اثبات کفر منکر ضروری دین به آن استدلال می‌توان کرد را دو مورد دانسته است: «اَوَّل: اجماع، و اجماع اگر چه بر کفر منکر ضروری دین فی الجمله هست، ولیکن قدر ثابت از آن همین قدر است که منکر ضروری دین فی الجمله کافر است، اما هر منکری و منکر هر ضروری به هر نوعی که بوده باشد پس اجماع بر آن ثابت نیست، بلکه در کلام اصحاب تصریح به عدم کفر بعضی از منکرین ضروریات مثل این که ناشی از شبهه‌ای که محتمل در حق آن باشد، یا امثال آن شده، ... مستفاد می‌شود که تکفیر عام نیست و هر نوع انکاری موجب تکفیر نمی‌شود، و قدر ثابت از اجماع این است که هر گاه امری ضروری دین باشد و بر شخص ضروری بودن از دین و ثبوت آن از صاحب دین معلوم شود و یقین کند که همان که ضروری شده مراد صاحب دین است و باوجود این انکارکنند چنین شخصی کافر است. و مورد دوم: این که انکار ضروری دین راجع به تکذیب صاحب دین است، و تکذیب آن موجب کفر است، و این دلیلی است که در کلام جمعی از فقها و اصولیون که از آن جمله فاضل عالم آقا جمال خوانساری است در بحث اجماع منقول از حاشیه شرح مختصر، و فقیه ماهر ملا محمد باقر سبزواری است در اوّل بحث قضاء صلاة از کفایه، تصریح به آن شده، و دلالت آن بر کفر منکر واضح است، و لیکن لازم از آن، آن است که هر انکاری که راجع به تکذیب صاحب دین شود موجب کفر گردد، نه مطلقاً و از این جهت است که فقها بعضی از انواع انکار را مثل آن که از شبهه محتمله در حق منکر باشد موجب تکفیر ندانسته‌اند.» (نراقی، ۱۳۸۰ ه. ش، ج ۲، ص ۳۳۹)

- مورد سوم (چه نوع انکاری موجب تکفیر می‌شود؟):

اختلاف در این است که آیا انکار ضروری دین سببی مستقل برای تحقق کفر است، آن سان که انکار ربوبیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله چنین است، یا اینکه انکار ضروری سببی مستقل نیست، بلکه به جهت بازگشت آن به انکار رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و تکذیب آن حضرت موجب کفر می‌گردد؟ بنابر قول نخست، انکار ضروری مطلقاً موجب کفر است؛ انکارکننده عالم باشد یا جاهل. جاهل نیز قاصر باشد یا مقصر، مگر آنکه احتمال برود انکارکننده به لحاظ تازه مسلمان بودن یا سکونت و نشو و نما در بلاد کفر، به ضروری بودن حکم جاهل بوده است، که در این صورت به گفته بسیاری، انکار ضروری موجب کفر





نمی‌شود. در مقابل، برخی انکار ضروری را سببی مستقل برای تحقق کفر ندانسته و گفته‌اند: در صورتی موجب کفر می‌شود که به انکار رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و تکذیب او برگردد. برخی بین اصول و فروع دین تفصیل داده و انکار ضروری از اصول دین - همچون جسمانی بودن معاد - را مطلقاً موجب کفر دانسته‌اند؛ اما در فروع دین بین جاهل قاصر و مقصر تفصیل داده و انکار ضروری از فروع دین را در صورت جهل از روی قصور موجب کفر ندانسته‌اند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ق، ج ۵، ص ۱۴۶)

از مطلب فوق چند سؤال اساسی استخراج می‌شود که باید به آن پاسخ داد:

۱- نقش علم (به ضروری دین بودن مصداق) در تحقق ارتداد؟

آیت الله سید محمود شاهرودی رحمه الله می‌فرماید: اگر احتمال برود انکارکننده به لحاظ تازه مسلمان بودن یا سکونت و نشو و نما در بلاد کفر، به ضروری بودن حکم جاهل بوده است به گفته بسیاری، انکار ضروری موجب کفر نمی‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ق، ج ۵، ص ۱۴۶)

علامه حلی رحمه الله در مورد کسی که تارک الصلاة است و مستحلّ این ترک نیز هست مطالبی را می‌فرمایند و در خلال این مطالب بیانی هست که معلوم می‌شود نظر ایشان، لزوم عالم بودن منکر در صحت حکم به ارتداد او است و آن بیان این است: «ولو كان قریب العهد بالإسلام، أو نشأ في بادية و زعم أنه لا يعرف وجوبها عليه قبل منه - توبته - و منع من العود، و عرف الوجوب.» (علامه حلی، ۱۴۱۴، ق، ج ۲، ص ۳۹۱)

شیخ بهاء الدین محمد بن تاج الدین حسن اصفهانی، معروف به فاضل هندی نیز در کتاب خود، کشف اللثام چنین علمی را برای منکر ضروری دین شرط می‌داند: «ولو ادّعی مستحلّ شيء من ذلك جهل التحريم، قبل منه مع الإمكان، بأن يكون قریب العهد بالإسلام، و مثله يخفي عنه.» (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ق، ج ۱۰، ص ۵۶۷)

۲- انکار اصول دین با انکار فروع دین، از جهت تأثیرگذاری در تحقق ارتداد فرق دارد؟

مرحوم شیخ انصاری در کتاب الطهارة خود، بین منکر اصلی از اصول دین و منکر فرعی از فروع دین که هر دو ضروری دین باشد، تفاوت قائل شده است و چنین می‌فرماید: «فالأقوی: التفصیل بین القاصر و غیره فی الأحكام العمليّة الضرورية، دون العقائد» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ق، ج ۵، ص ۱۴۱)

به این معنا که در انکار عقاید، دیگر تفصیلی بین قاصر و مقصر در حکم به ارتدادش نیست. کما اینکه در مصداق حب امیرالمؤمنین که از اصول دین است به این مطلب تصریح می‌کند: «فیکون ولاية الأمير والأئمة صلوات الله عليهم بمعنی محبتهم كالرسالة في كفر منكرها، من غير فرق بين القاصر والمقصر». (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۴۱)

مرحوم شیخ محمدتقی آملی رحمه الله هم در شرح عروة الوثقی خود ذیل این بحث بین انکار ضروری اصلی دین و ضروری فرعی دین تفصیل قائل است: «حق القول في ذلك هو التفصيل بين ما كان من الأصول أو الفروع فيحكم بكفر المنكر للاول مطلقاً سواء كان إنكاره عن عناد أو عن شبهة كان المنكر ممن يقبل الإنكار في حقه أولاً بأن كان نشوه في بلاد الإسلام و ذلك لان الضروري من الأصول الذي يثبت وجوب التدين به بالضرورة كالمعاد الجسماني و بعض خصوصياته الثابتة بالضرورة يكون مثل التدين بأصل الألوهية و الرسالة فالتفكيك في الاعتقاد بإقرار بعضها و إنكار بعضها الآخر ليس إقراراً بالإسلام فكما ان منكر الألوهية أو الرسالة و لو عن شبهة كغالب المنكرين ليس مسلماً فكذا منكر المعاد الجسماني أو مودة أهل المودة من ذوي القربى فهذا القسم من الضروري مما للاعتقاد به دخل في أصل تحقق الإسلام فما لم يتحقق لا يتحقق الإسلام و لو كان عدم تحققه عن شبهة و قصور». (محمدتقی آملی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۳۹۱)

می‌فرماید اگر انکارش در مورد اصول دین باشد، مطلقاً حکم به کفرش می‌شود و لو عن شبهة باشد، و لو عن جهل قصوراً باشد؛ و علت را چنین ذکر می‌کند: چرا که ضروری از اصول دین رکن تدين است و اگر کسی آن را انکار کند انگار اصل الوهیت را انکار کرده است. اما راجع به انکار فروع دین: «و يفصل في الثاني أي في الضروري من الفروع بين من كان إنكاره راجعاً الى تكذيب النبي صلى الله عليه وآله وسلم فيحكم بكفره لكونه منكرًا للرسالة و بين من لم يكن كذلك و يقال فيه بأن إنكاره اما مع عدم ثبوت التدين منه بما جاء به النبي صلى الله عليه وآله وسلم إجمالاً أو مع ثبوته منه فيحكم بكفر الأول أيضاً قطعاً لعدم تدينه بالدين و يقال في الثاني بأنه إما يكون ممن لا يقبل في حقه الشبهة ظاهر النشوة في بلاد الإسلام الظاهر منه استماع مثل هذه الاحكام التي لا تخفى على العجزة و الصبيان أو يكون ممن يسمع منه فيحكم بكفر الأول ظاهراً أخذاً بالظهور دون الثاني» (محمدتقی آملی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۳۹۱)

می‌فرماید: در انکار ضروری فرعی دین فرق است بین کسی که انکارش برگردد به انکار رسالت - که حکم به کفرش می‌شود - و بین کسی که چنین نیست. و کسی که انکارش راجع به





انکار رسالت نیست یا انکارش همراه است با قبول نداشتن تدین و آنچه از پیامبر آمده - با این که می‌داند از پیامبر آمده - که در این صورت محکوم به کفر است یا انکارش متدینانه است - نه اینکه بداند واقعاً از سوی پیامبر صادر شده بلکه از سر ناآگاهی چنین انکاری را مرتکب شده - که در این صورت دو وجه دارد: یا اینکه داشتن شبهه در نزد او -؛ ندانستنش - مقبول است، مثل کسی که در بلاد اسلامی بزرگ نشده که در این صورت حکم به کفرش نمی‌شود؛ و یا چنین نیست؛ بلکه در بلاد اسلامی بزرگ شده و داشتن شبهه نسبت به ضروریات و بدیهیات دین برایش مقبول نیست که در این صورت نیز محکوم به کفر است.

۳- آیا انکار ضروری دین از سوی جاهل قاصر یا مقصر در تعیین حکم ارتداد متفاوت است؟ مرحوم شیخ محمد تقی آملی که می‌فرماید: «يقال في الثاني بأنه إما يكون ممن لا يقبل في حقه الشبهة ظاهر النشوة في بلاد الإسلام الظاهر منه استماع مثل هذه الاحكام التي لا تخفى على العجزة والصبيان أو يكون ممن يسمع منه فيحكم بكفر الأول ظاهراً أخذاً بالظهور دون الثاني». (همان)

این بخش از کلام آقای آملی مربوط به انکار در فروع است. در این بیان آنچه از ظهور کلامشان فهمیده می‌شود این است که حکم انکار جاهل مقصر و قاصر در ضروری از فروع متفاوت است. حکم انکار در اولی ارتداد و کفر است؛ ولی در دومی به علت قصورش حکم به کفرش نمی‌شود.

اما انکار در اصول را مطلقاً موجب کفر می‌دانند. «الفروع فيحكم بكفر المنكر للاول مطلقاً سواء كان إنكاره عن عناد أو عن شبهة كان المنكر ممن يقبل الإنكار في حقه أولاً بأن كان نشوه في بلاد الإسلام و ذلك لان الضروري من الأصول الذي يثبت وجوب التدین به بالضرورة كالمعاد الجسماني و بعض خصوصياته الثابتة بالضرورة يكون مثل التدین بأصل الألوهية و الرسالة فالتفكيك في الاعتقاد بإقرار بعضها و إنكار بعضها الآخر ليس إقراراً بالإسلام فكما ان منكر الألوهية أو الرسالة و لو عن شبهة كغالب المنكرين ليس مسلماً فكذا منكر المعاد الجسماني أو مودة أهل المودة من ذوي القربى فهذا القسم من الضروري مما للاعتقاد به دخل في أصل تحقق الإسلام فما لم يتحقق لا يتحقق الإسلام و لو كان عدم تحققه عن شبهة و قصور» (همان)

۴- اما مطلبی که باید به شدت مورد دقت قرار گیرد اینست که آیا نفس انکار ضروری دین موجب ارتداد است یا علت ارتداد، بازگشت انکار ضروری دین به تکذیب نبی است؟

همان طور که بیان شد در این مسئله اختلاف است. افرادی همچون شیخ انصاری و مرحوم

صاحب جواهر بر دیدگاه نفس الانکاری اشاره دارند؛ اما در مقابل مرحوم محقق اردبیلی، فاضل هندی، سید طباطبایی، صاحب عروة و عده‌ای دیگر از علمای به نام، دیدگاه مقابل را برگزیده‌اند و می‌فرمایند که علت ارتداد منکر ضروری دین، بازگشت انکار وی به تکذیب نبی است. اما با توجه به پیشینه بحث که در مقدمه بیان شد لفظ ضروری دین در منابع دینی ما بیان نشده؛ بلکه فقها آن را از روایات و آیات اصطیاد کرده‌اند. از این رو در منابع دینی تصریح نشده که انکار ضروری دین موجب کفر است؛ بنابراین بعید است که بگوییم نفس انکار ضروری دین موجب کفر است؛ و عده‌ای هم که بیان کرده‌اند نفس انکار موجب ارتداد است آن را مستند به ظاهر کلام فقها دانسته‌اند. مرحوم امام رحمه‌الله در این باب بیانی دارند که می‌شود از آن فهمید نظر ایشان هم با عدم استقلال نفس الانکار در سببیت ارتداد است. «منکر ضروری، محکوم به کفر است، مگر این که معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست.» (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۳۸۲) اما نهایت چیزی که می‌شود گفت این است که انکار ضروری دین غالباً تلازم دارد با تکذیب نبی؛ و از این جهت است که امام فرمود: «منکر ضروری، محکوم به کفر است.» (همان)





ضروری یا غیر ضروری بودن حجاب و احکام آن

مرحوم نراقی معتقد به نسبی بودن امر ضروری نزد افراد است. ایشان می‌فرمایند:

«مخفی نماند که همچنان که می‌تواند ثبوت امری در دین نزد کسی ضروری باشد، و نزد دیگری نباشد، یعنی ضروری خاص باشد، هم چنین می‌توان امری نزد کسی ضروری دین به معنی عام باشد، و نزد دیگری نباشد، به این معنی که شخصی هم چنین بفهمد که فلان امر به نحوی ادله واضح ظاهره دارد که بر همه کس از اهل آن دین ثبوت آن از صاحب دین بدیهی است، و دیگری یقین به این نکته نکند، و از این جهت است اختلاف فقهای ما رضوان الله علیهم در ضروریات دینیّه و گفتن بعضی که فلان امر ضروری است در دین بنا بر أظهر یا أشهر یا أقوى.» (نراقی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۳۳۸)

«اما وجوب حجاب ضروری اسلام، نصّ قرآن و مورد عمل و اتفاق جمیع طبقات این امت در طی چهارده قرن است.» (جعفریان، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۳۳۸)

مرحوم امام خمینی رحمه الله در پاسخ به استفتایی که در این زمینه از ایشان شده چنین می‌فرماید: «بسمه تعالی، اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن، حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری، محکوم به کفر است، مگر این که معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست.» (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۳۸۲)

آیت الله منتظری هم علاوه بر بیان ضروری بودن حجاب فلسفه حجاب را چنین بیان می‌کند: «اصل حجاب و پوشش زن از احکام ضروری اسلام است و این هم در رابطه با ظرافت زن و ارزش والای اوست، که مورد طمع و تجاوز ناپاکان قرار نگیرد.» (منتظری، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۳۵۱)



حضرت آیت الله مکارم حفظه الله نیز مسئله حجاب را چنین تشریح می کنند: «مسئله حجاب از مسلمات و واجبات بلکه از ضروریات دین اسلام است، مخصوصاً در زمان ما همه کسانی که با مسلمانان معاشرت دارند فهمیده اند که یکی از برنامه های تمام فرق مسلمین حجاب است که کم کم به یک شعار تبدیل شده و به آن پایبند هستند و به همین دلیل است که از آن وحشت دارند.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۳)

میرمحمد هاشم مجتهد طسوجی مرندی خوبی در باب نکته بسیار مهمی را متذکر می شود که باید نهایت توجه را به آن معطوف ساخت: «انکار حکم حجاب، انکار ضروری دین محسوب می شود؛ برخلاف اینکه کسی بی حجابی را بد بداند و مرتکب شود؛ چه، در این صورت تنها گناهکار است؛ به خلاف کسی که روح مذهب را در بی حجابی زنان دانسته و ترقی مملکت را بسته بر آن می داند که زنان هم مانند مردان در مدارس تعلّم صنایع کرده و داخل تجارت خانه ها و تئاترخانه ها و پارلمان ها شوند.» (جعفریان، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۸۰)

پس همه این بیانات حاکی از این است که وجوب حجاب از ضروریات دین است؛ و با توجه به اینکه حجاب از فروع دین است در انکار وجوبش از سوی جاهل قاصر و مقصر تفصیل است به اینکه اگر از سوی جاهل مقصر انکار صورت بگیرد مرتد می شود؛ ولی اگر از سوی جاهل قاصر وجوب حجاب انکار شود، در این صورت مرتد شمرده نمی شود.

مطلب مذکور بدین معنا نیست که کسی اگر حکم حجاب را رعایت نکند لزوماً مرتد هم باشد. چرا که یک بحث، بحث باور و عقیده است که اگر کسی ضروری دین را انکار کند کافر می شود؛ ولی یک بحث هم بحث عمل است که اگر کسی یک ضروری دین را رعایت نکرد، صرف رعایت نکردن موجب ارتدادش نمی شود؛ ولی شاید تکرار آن موجب ارتداد شود. جا دارد در تحقیقی به این موضوع پرداخته شود که آیا انکار عملی ضروری دین هم موجب ارتداد می شود یا نه؟ اما اجمالاً کلام آیت الله ذهنی تهرانی را متذکر می شوم که در شرح الروضه البهیه خود می فرماید: «کفر گاهی به مجرد نیت حاصل شده و زمانی به واسطه گفتاری که کفرآور است پدید می آید و در پاره ای از اوقات سبب حصولش فعل می باشد.

مثل اینکه شخصی از روی عمد و اختیار دین را صریحاً به باد استهزاء بگیرد یا آن را فعلاً انکار نماید مثل اینکه قرآن یا پاره ای از آن را به مذبله و قاذورات بیاندازد و نیز مثل اینکه بت را سجده نماید.» (تهرانی، ۱۳۶۶ش، ج ۲۸، ص ۳۱۷)

منابع

- استرآبادی، محمدامین بن محمد شریف. محقق رحمت الله رحمتی اراکی. نویسنده
 علی بن علی موسوی عاملی.، (۱۴۲۶ ه.ق)، «الفوائد المدنية (الشواهد المکیة في مداحض
 حجج الخیالات المدنية)»، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر
 الإسلامي
- بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵ ش)، «فرهنگ ابجدی»، مهیار رضا (مترجم)، تهران،
 اسلامی، چاپ ۲
- بهجت، محمدتقی.، (۱۳۸۶ ش)، «توضیح المسائل (بهجت)»، قم، دفتر
 آیت الله العظمی محمدتقی بهجت
- جعفریان، رسول.، (۱۳۸۰ ش)، «رسائل حجابیه (فلسفه حجاب)»، قم، دلیل ما
- حیدری، کمال.، (۱۴۳۴ ه.ق)، «رسائل فقهیة (حیدری)»، محرر: نخبة من
 الفضلاء، بیروت - لبنان، مؤسسة الهدی للطباعة و النشر
- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۱ ش)،
 «توضیح المسائل (امام و مراجع)»، نویسنده حسین نوری همدانی، و موسی شبیری زنجانی،
 و علی سیستانی، و محمدعلی اراکی، و لطف الله صافی، و محمدتقی بهجت، و ناصر مکارم
 شیرازی، و جواد تبریزی، و سید ابوالقاسم خوئی، و محمدرضا گلپایگانی، و خامنه ای، علی،



رهبر جمهوری اسلامی ایران، و محمد فاضل موحدی لنکرانی. گردآورنده احسان اصولی، و محمدحسن بنی‌هاشمی خمینی. قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی

- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۹ ش)، «**استفتائات (سبحانی)**»، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام

- شبیری زنجانی، موسی. (۱۳۹۶ ش)، «**استفتائات (شبیری)**»، قم، دفتر حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی. انتشارات مرکز فقهی امام محمدباقر علیه‌السلام

- شبیری، «**درس خارج صوم: ۳۰/۰۷/۸۶ ضروری دین**»، سایت دفتر آیت‌الله شبیری زنجانی.

- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، «**آیین کیفری اسلام**»، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع). محرر اکبر ترابی. محقق اکبر ترابی. نویسنده خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۰ ش). قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)

- لويس معلوف، (۲۰۰۰ م)، «**المنجد في اللغة العربية المعاصرة**»، لبنان - بیروت، دار المشرق، چاپ ۱

- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۴ ش)، «**استفتائات (منتظری)**»، تهران، نشر سایه

- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۸۰ ش)، «**رسائل و مسائل**»، گردآورنده رضا استادی، قم، کنگره بزرگداشت محققان ملامهدی و ملااحمد نراقی

- هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۲ ق)، «**فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام**»، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) - ویکی‌شیعه

- آملی، محمدتقی. (۱۳۸۴ ه. ق)، «**مصباح الهدی في شرح العروة الوثقى**»، نویسنده محمدکاظم بن عبدالعظیم یزدی. [بی‌جا] - [بی‌جا]، [بی‌نا]

- انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ ق)، «**کتاب الطهارة (انصاری)**»، مجمع‌الفکر الاسلامی، کمیته تحقیق تراث شیخ اعظم، قم، المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري، الأمانة العامة.

- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۲ ش)، «**استفتائات (امام)**»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) دفتر قم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

- ذهنی تهرانی، محمد جواد، (۱۳۶۶ش)، «**المباحث الفقهية في شرح الروضة البهية**»، قم - ایران، وجدانی

- شبیری زنجانی، موسی، «**کتاب نکاح (شبیری)**»، تحریر محمدکاظم بن عبدالعظیم یزدی، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز

- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، «**جواهر الکلام (ط. القديمة)**»، تحقیق محمود قوچانی و علی آخوندی و عباس قوچانی و رضا استادی، تصحیح ابراهیم میانجی، تحریر جعفر بن حسن محقق حلی، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی

- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، «**تذكرة الفقهاء (ط الحديثة: الطهارة إلى الجعالة)**»، تحقیق مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل‌البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث

- فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، «**كشف اللثام عن قواعد الأحكام**»، تحقیق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، مؤسسه النشر الإسلامي

- گلیایگانی، محمدرضا، (۱۳۷۲ش)، «**نتائج الأفكار في نجاسة الكفار**»، تحریر علی کریمی جهرمی، قم، دار القرآن الکریم

- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق)، «**استفتائات (مکارم)**»، گردآوری ابوالقاسم علیان‌نژادی، قم، مدرسه الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام)

- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۱۳ق)، «**مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام**»، تحریر محمدکاظم بن عبدالعظیم یزدی، قم، السيد عبد الاعلی السبزواری

- اصغرپور طلوعی، عادل؛ وکیل زاده، رحیم؛ حیدری، محمد علی؛ شکرچی زاده، محسن؛ (۱۳۹۷ش)، «**استقلال در سببیت انکار ضروری دین و نقش علم در تحقق ارتداد**»، مجله: فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره پنجاه و یکم - شماره ۱ رتبه علمی - پژوهشی (وزارت علوم)

-روحانی، علیرضا، (۱۳۸۲ش)، «**ضروریات دین**»، فرهنگ جهاد

-شبییری زنجانی، سید موسی، (۱۳۹۵ش)، «**انکار ضروری دین و رابطه آن با ارتداد**»،

مجله: مطالعات فقه معاصر

-علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۹۷ش)، «**فقه و عرف**»، چاپ ششم، نشر: تهران، سازمان

انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

-مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴ق)، «**کتاب النکاح (مکارم)**»، گردآوری مسعود مکارم و

محمد رضا حامدی، قم.

